فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) ـ سال شانزدهم ـ شماره سوم ـ پاییز ۱۳۹۵ ـ صفحات ۶۶-۴۷

بررسی تأثیر نسبتهای مالی حسابداری بر نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور، مطالعه موردی: بانک های تجاری دولتی، خصوصی و اصل ٤٤

رضا منصوریان نظام آباد[۱]
خالد شیخی[۲]
محمدرضا محجوب[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۰ **تاریخ پذیرش:** ۱۳۹۳/۸/۲۱

چکیده

*سرمایه مناسب و کافی، یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است و هریک از بانک ها و مؤسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت های خود، باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی های خود برقرار نمایند. کارکرد اصلی این نسبت حمایت بانک در برابر زیان های غیرمنتظره و نیز حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان است. مطالعات قبلی درباره ارتباط بین نسبت های مالی و کفایت سرمایه، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند؛ لذا هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین نسبت های مالی حسابداری و نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور می باشد که داده‌های سه گروه بانکی در فاصله زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ با استفاده از روش تحلیل ترکیبی داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، و یافته‌ها بیانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار بین اندازه بانک ها (گروه تجاری دولتی و خصوصی)، با نسبت کفایت سرمایه و ارتباط منفی و معنادار بین اهرم مالی با نسبت کفایت سرمایه دارد. بازده دارایی ها ارتباط مثبت و معنادار در گروه خصوصی و منفی و معنادار در گروه بانک های تجاری دولتی، بازده حقوق صاحبان سهام نیز ارتباط مثبت و معنادار بین بانک های تجاری دولتی و منفی و معنادار بین بانک های خصوصی با نسبت کفایت سرمایه دارد. سایر یافته ها با توجه به آماره **f** به دست آمده، حاکی از عدم وجود ارتباط بین نسبت های مالی حسابداری با نسبت کفایت سرمایه در سطح اطمینان ۹۵ درصد در گروه بانک های اصل ۴۴ می باشد که الزام اهمیت و توجه به نسبت کفایت سرمایه را بیش از بیش ضروری می سازد.*

واژگان کلیدی: کفایت سرمایه، اهرم مالی، بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام
طبقه بندی JEL: B26, E22, C23, G21

---

۱. دانشجوی دکترای مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی میاندوآب، نویسنده مسئول: mansourian63.reza@gmail.com
۲. دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی میاندوآب
۳. دانشجوی دکترای مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

۱. مقدمه

در اقتصاد کلان، سرمایه گذاری یکی از شاخص های مهم محسوب می شود و نقش تعیین کننده ای در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می کند. در اقتصاد خرد نیز، اهمیت تصمیمات سرمایه گذاری، ناشی از این مساله است که در واقع فرد سرمایه گذار، مصرف امروز را به امید مصرف بیشتر، به زمانی در آینده موکول می کند. در واقع، تصمیم بهینه سرمایه گذاری، میزان مطلوبیت مورد انتظار سرمایه گذار را از مصرف آتی بیشینه می سازد. تابع مطلوبیت هر فرد با توجه به ترجیحات شخصی وی تعیین می شود که لزوماً با سایر افراد یکسان نخواهد بود.

یکی از ملزومات اولیه و پیش نیازهای اصلی برای قرار گرفتن در مسیر توسعه، تأمین و تخصیص سرمایه و منابع مالی به شکل مطلوب است که در این میان نقش و جایگاه نهادها و مؤسسات مالی اهمیت می یابد که به نوعی در تجهیز، تأمین و گردآوری سرمایه و منابع مالی، از یک طرف و از طرف دیگر، در تخصیص و توزیع مطلوب آن مؤثرند. در این راستا، بانک ها نقش بسیار حساس و مهمی را در اقتصاد کشور ما بر عهده دارند. در واقع، بانک ها از جمله قدیمی ترین، فعال ترین و گسترده ترین واسطه های مالی هستند که نقش غیرقابل انکاری در جمع آوری و توزیع مطلوب منابع مالی بر عهده دارند. نیازهای متفاوت جوامع پیشرفته و در حال پیشرفت و همچنین مداخلات دولتها در بازار پول برای تحقق اهداف مختلف از جمله اهداف توسعه ای باعث شده است تا بانک ها در طول زمان دچار تحول شده و در چارچوب های مختلفی ساماندهی گردند که از جمله این تقسیم بندی ها می توان به بانک های توسعه ای، تجاری و تخصصی اشاره نمود که هر کدام از آنها بنا بر اقتضائات جوامع مختلف به صورت دولتی و خصوصی ایجاد و توسعه یافته اند.

بانکداری در ایران نیز به همین منوال شکل گرفته و بنابر شرایط اقتصادی و سیاسی و به صورت کلی متناسب با دیدگاه های توسعه ای سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی کشور توسعه یافته و از طرف دیگر، محیطی که بانک ها امروزه در آن فعالیت می کنند، محیطی در حال رشد و بسیار رقابتی می باشد و بانک ها برای ادامه حیات، مجبور به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین المللی و بسط فعالیت های خود از طریق سرمایه گذاری های جدید هستند. بانک ها برای سرمایه گذاری احتیاج به منابع مالی دارند، اما منابع مالی و استفاده از آنها باید به خوبی تعیین شود تا بانک ها بتوانند سودآور باشند و این وظیفه مدیر اعتبارات بانک می باشد که منابع مالی و نحوه استفاده از آنها را تعیین کند.

روند شتابان خصوصی سازی که این روزها با سرعتی بیش از گذشته به سمت رهایی از بندهای مدیریت دولتی پیش می رود، مسائل جدیدی را فراروی بانک ها، ناظران بانک ها، دولت و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی قرار داده است. در دهه‌های اخیر، توجه به پارامترها و معیارهای حاکم بر

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

نظام بازار، هم در بانک های دولتی و هم، در بانک های خصوصی فزونی گرفته و مدیریت بانک ها با تهدیدها و مسائلی دست و پنجه نرم می‌کنند که تا چندی پیش با اتکا به کمکهای دولتی اهمیت چندانی نداشت. بانک های خصوصی از آزادی عمل بیشتری نسبت به گذشته برخوردار می‌باشند و در غیاب سیاست های دستوری گذشته که در نگرش مدیریت دولتی به بانک ها تحمیل می گردید، فرصتهای جدیدی را نیز برای عملیاتی کردن طرح ها و برنامه های ابتکاری مورد نظر خود و افزایش کارآیی در اختیار دارند.

مسائلی از قبیل سودآوری و کاهش هزینه ها و ارتقاء کیفیت خدمات تا چندی پیش در محدوده فعالیت بانک های کشور که تحت مالکیت و مدیریت دولتی بودند، به شکل رقابتی موجود مطرح نبود. هم اکنون با تأسیس و گسترش بانک های خصوصی و خصوصی‌سازی بانک های دولتی، به مقوله های مهم و قابل اعتنا برای فعالان این صنعت تبدیل شده است؛ چرا که رفته رفته فضای امن و انحصاری گذشته که در سایه حمایت های دولت از نظام بانکی پدید آمده بود، جای خود را به فضایی رقابتی و پرمخاطره داده است.

در این میان، اولین و مهمترین عاملی که می تواند در مقابل مخاطرات ناشی از ناتوانی بانک ها مقاومت کند، نسبت سرمایه به دارایی های بانکی است. کفایت سرمایه (داشتن سرمایه مناسب در مقایسه با دارایی‌ها)، نقطه هدف بسیاری از مطالعات بوده است و از آن به عنوان یکی از مهمترین محرک‌ها در سودآوری مؤسسات مالی یاد می‌شود. تاملی گذرا در نظریه بانکداری به وضوح گویای آن است که تمام ابعاد و جنبه های گوناگون نظام بانکی هر کشور به طور مستقیم یا غیرمستقیم متاثر از دسترس بودن سرمایه و امکان کسب بازده مورد انتظار از محل آن است.

ساختار سرمایه از جمله موضوعاتی است که در عرصه بانکداری دارای اهمیت فراوانی است، مرتبط بودن ساختار سرمایه بانک ها با ریسک اعتباری و هزینه سرمایه باعث ایجاد تمایلات متضاد در بانک برای کاهش نسبت سرمایه برای رسیدن به سود بیشتر و یا افزایش سرمایه برای مقابله با خطر نکول شده است. از همین رو، برای اطمینان از سلامت نظام پولی و مالی داخلی و بین المللی، یک سری مقررات توسط نهادهای مسئول داخلی و بین المللی در این زمینه، وضع و به مورد اجرا گذاشته شده است. از طرف دیگر، در سطح جهانی هم اکنون ساختار سرمایه بانک ها به صورت شدیدی تحت تنظیم و مقررات قرار گرفته است. با توجه به آنکه صنعت بانکداری کشور در حال عبور از انحصار دولتی به بازار رقابتی می باشد، بررسی موضوع کارآیی و ارزیابی عملکرد آنها، بیش از پیش اهمیت دارد (دادگر، ۱۳۸۶).

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به آن بانک اجازه می دهد که هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. امروزه جهت ارزیابی وضعیت بانک ها و مؤسسات اعتباری از یک سری از معیارهای کمی استفاده می شود که نسبت کفایت سرمایه در میان آنها از اهمیت خاصی برخوردار است (بیانیه کمیته بال، ۲۰۰۲).

گسترش خصوصی سازی در صنعت بانکداری کشور در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی که با بحران اخیر صنعت بانکداری جهان نیز همراه شده، فضایی رقابتی و در عین حال بی ثبات و خطرآفرین را ایجاد کرده است. این روند و درسهای سیاستی از بحران اخیر، بانک ها را بر آن می دارد که ضمن رعایت جدیدترین مقررات نظارتی مانند کفایت سرمایه، در جهت شناخت بیشتر این صنعت گام بردارند. بانکها به واسطه ویژگی هایی که دارند، بسیار آسیب پذیر بوده و می باید سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیت های خود داشته باشند. از طرف دیگر، بانکها باید مراقب باشند آسیب‌های وارده به سپرده گذاران منتقل نشود، و هرگونه زیان احتمالی توسط سرمایه جذب شود و به این ترتیب، اعتماد عمومی به بانک حفظ شود. به همین دلیل، سرمایه در مؤسسات بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار، و یکی از مهمترین معیارهای سنجش سلامت این مؤسسات است.

پس از تحولات رخدادهای مهم اقتصادی در سه دهه آخر قرن بیستم، تغییرات سریع تکنولوژی و اهمیت صنعت بانکداری در پیشرفت اقتصادی کشورها، بانک تسویه حساب های بین المللی در سال ۱۹۷۴ کمیته ای را برای بررسی مسائل بانکی به نام کمیته بال بنیاد نهاد. امروزه بسیاری از مراجع نظارتی بانکی در سراسر جهان از رهنمودهای کفایت سرمایه که از جانب کمیته بال ارائه شده است، استفاده می کنند. استاندارد کفایت سرمایه طرح شده توسط این کمیته، نقش بسیار با اهمیتی را در بهبود سلامت و ثبات نظام های بانکی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایفا کرده است. در طول دهه گذشته، استاندارد کفایت سرمایه ارائه شده از سوی کمیته بال به صورت فزاینده ای در عرصه کشورهای توسعه نیافته و در محدوده اقتصادهای در حال گذار (مانند ایران)، اشاعه پیدا کرده است. کفایت سرمایه در بانک، رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که بانک را قادر می سازد هنگام مواجهه با مشکلات اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد.

سرمایه علاوه بر آنکه نقش مهمی در ثبات مالی بانک ها و انگیزه های ریسک پذیری ایفا می کند، در ایجاد رقابت مثبت میان بانک ها نیز بسیار مؤثر است.

یکی از ابزار هایی که امروزه توسط هر بانک جهت ارزیابی سایر بانک ها در مبادلات بانکی به کار می رود، استفاده از نسبت کفایت سرمایه است. در کشور ما نیز بانک های فعال در سطح بین المللی می باید اقدامات لازم را در جهت رسیدن به حداقل نسبت مذکور (۸ درصد) به عمل آورند تا در

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

مبادلات بین بانکی با مشکلاتی نظیر افزایش نرخ بهره تسهیلات اعطایی که یکی از مهمترین عوامل در این مبادلات است، مواجه نشوند.

حاصل اقدامات اولیه در راستای تدوین استانداردهای حاکم بر اندازه‌گیری و ارزیابی کفایت سرمایه در دسامبر ۱۹۸۸ میلادی و در قالب بیانیه‌ای به نام موافقتنامه سرمایه بال ۱ (یا موافقتنامه ۱۹۸۸) منتشر شد. بعدها بر روی این موافقت‌نامه اصلاحاتی انجام گرفت و در سال ۲۰۰۴ بیانیه دیگری تحت عنوان بال ۲ صادر گردید که از سال ۲۰۰۷ به صورت عملی در بسیاری از بانک ها به مورد اجرا گذاشته شده است. در حال حاضر، بیانیه بال ۲ جامع ترین سند مورد توافق در زمینه نظارت بر سرمایه مکفی بانک ها در مجامع حرفه ای و نظارت بانکی بین المللی، به شمار می رود. در این سند، معیارهای کفایت سرمایه بانک ها، روشهای برآورد ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی بانک ها، پیش نیازهای لازم در ارزیابی کفایت سرمایه و ضوابط ناظر بر افشا روشهای مربوطه، در ارکان سه گانه بیانیه با مقاصد اجرایی طراحی شده است. ضوابط مطرح در بیانیه اولیه سرمایه ای کمیته بال در زمینه روشهای محاسبه دارایی های موزون ریسکی گسترش یافته و تا حد امکان انعطاف پذیرتر شده است. لذا در سایه این انعطاف پذیری و همراه با معرفی رویکردهای گوناگون برای محاسبه دارایی های ریسکی، دست بانک ها در انتخاب مناسب ترین گزینه برای دست یافتن به حداقل معیارهای مورد نظر کمیته بال، بازتر شده است. در عین حال ،گستره بیانیه در حوزه هایی که روشهای پیشرفته در محاسبه ریسک های مورد نظر را مطرح می کند، به رغم اینکه به پوشش بهتر ریسک ها و مخاطراتی که یک بانک را تهدید می کند، انجامیده، تا حدودی به پیچیدگی بیانیه جدید نیز افزوده است. لیکن توجه کمیته بال به تفاوت های موجود تکنیکی و مقرراتی در نظام های بانکی و نظارتی کشورهای مختلف، موجب شده است تا صلاحدید مقامات نظارتی ملی در هرکشور به عنوان یک اصل ضروری در اجرایی کردن بیانیه از سوی کمیته پذیرفته شود.

کاهان و همکاران (۱۹۷۷)، تحقیقات اولیه ای پیرامون مقررات مربوط به سرمایه بانک ها انجام دادند. آنان در تحقیقات خود، میزان اثربخشی استانداردهای سرمایه در رابطه با کنترل سلامت و ثبات بانک ها در بازار کامل را بررسی کردند. در پی این تحقیقات و با توجه به معرفی موضوع بیمه سپرده ها، نقش قوانین و مقررات مربوط به سرمایه بانک ها پررنگ تر گردید.

پیل (۱۹۷۱) از جمله محققانی بود که از نظریه پرتفوی که درآن بانک به عنوان پرتفویی از اوراق بهادار در نظر گرفته می شود، استفاده کرد. نظریه مزبور این چنین مطرح می کند که مدیران بانک ها ترکیب پرتفوی خود را طوری انتخاب می کنند تا حداکثر سود مورد انتظار را با توجه به سطح ریسک معین به دست آورند.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

نتایج تحقیق کاب پونگ ناواپان (۲۰۰۳)، حاکی از ارتباط منفی بین سطوح مختلف سرمایه و بازده حقوق صاحبان سهام در بانک های نیوزیلند و ارتباط مثبت در بانک های استرالیا است.

دیوید هاچیسون و ریموندکوکس (Hutchison and Cox, 2006)، به بررسی رابطه میان ساختار سرمایه بانک ها و دو شاخص سودآوری بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام در ایالات متحده آمریکا پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که ارتباط مثبت بین اهرم مالی و بازده حقوق صاحبان سهام و نیز ارتباط معکوس بین اهرم مالی و بازده دارایی ها وجود دارد.

دی ام متاوا (۲۰۰۹)، در تحقیق خود به بررسی رابطه میان کفایت سرمایه و نسبت هزینه و درآمد با سودآوری بانک های تجاری کنیا پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از ارتباط مثبت سودآوری بانک ها با نسبت سرمایه اصلی می باشد و نسبت سرمایه موزون شده به ریسک، دارای ارتباط منفی با نسبت سرمایه حقوق صاحبان سهام و نسبت هزینه و درآمد می باشد.

زهرا نوری (۱۳۸۹)، به بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با شاخص ریسک ورشکستگی و شاخص های عملکردی در بانک های خصوصی و دولتی به صورت جداگانه در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که سودآوری و بازده بانک های خصوصی بیش از بانک های دولتی بوده و عملکرد مالی بهتری نسبت به بانک های دولتی داشته اند؛ در ضمن میانگین شاخص ریسک ورشکستگی بانک های خصوصی نیز بیشتر از بانک های دولتی می باشد.

بر اساس تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی، این تحقیق در صدد است تا به بررسی نسبتهای مالی حسابداری بر نسبت کفایت سرمایه در سیستم بانکی ایران بپردازد. متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق به صورت زیر تعریف می شوند:

نسبت کفایت سرمایه[1] (CAR)

نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد می باشد. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بال به بانک های دنیا معرفی گردید. کمیته بال در آن سال مجموعه‌ای از شروط حداقل سرمایه را به بانک ها پیشنهاد کرد که بعدها به «پیمان بال» معروف شد. براساس قوانین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حداقل نسبت کفایت سرمایه مطلوب برای بانک های ایرانی معادل ۸ درصد است (تعریف برگرفته از دانشنامه ویکی پدیا).

$$CAR = \frac{\text{Tier 1 capital} + \text{Tier 2 capital}}{\text{Risk weighted assets}}$$

1. Capital Adequacy Ratio

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

اندازه بانک[1](SIZE)

اندازه بانک به وسیله ارزشیابی کل دارایی های بانک سنجیده می شود و اهمیت اندازه بانک، به علت رابطه آن با ساختار مالکیت و دسترسی به سرمایه سهام می باشد. دسترسی بانک به سرمایه سهام می تواند انعطاف پذیری بانک را در برابر هزینه های ورشکستگی افزایش دهد، در نتیجه بانک های بزرگتر به علت دسترسی آسان تر به بازارهای سرمایه و دارا بودن پرتفوی متنوع تر نیاز به الزامات سرمایه ای کمتری دارند. در نتیجه، افزایش اندازه بانک باعث افزایش نسبت کفایت سرمایه شده است؛ پس یک رابطه مثبت میان اندازه بانک شامل کل دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه وجود دارد.

بازده حقوق صاحبان سهام[2] (ROE)

این متغیر نشان دهنده قدرت شرکت در کسب سود از منابعی است که سهامداران در اختیار شرکت قرار داده اند. از سود خالص و میانگین حقوق صاحبان سهام برای محاسبه این نسبت استفاده می شود. نرخ بازده حقوق صاحبان سهام را نرخ بازده ارزش ویژه می نامند و با استفاده از این نسبت، سود بانک در ازاء یک ریال حقوق صاحبان سهام محاسبه می شود. به این ترتیب که سود پس از کسر مالیات را بر حقوق صاحبان سهام تقسیم می کنند و با استفاده از نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، رابطه بین سود و ارزش ویژه مشخص می شود. سپرده های بلندمدت، کوتاه مدت و پس اندازها، زمانی موجب افزایش ثروت سهامداران می شود که بازده سرمایه گذاری، از نرخ بهره سپرده ها بیشتر باشد.

بازده دارایی ها[3](ROA)

بازده دارایی ها نشان دهنده مدیریت کارآمد در رابطه با استفاده از دارایی ها در جهت تولید سود (دارایی های مولد) می باشد، که از طریق تقسیم سود سالیانه به کل دارایی شرکت محاسبه می شود. این نسبت، نسبت سود عملیاتی را به کل منابعی که تحت مدیریت بانک قرار دارد مرتبط می سازد. این نسبت یکی از نسبتهای مهم برای ارزیابی کارآمدی و توان مدیریت است و خالص درآمدی را که از به کاربردن کل دارایی های بانک ایجاد می شود، ارزیابی می کند.

اهرم مالی[4] (LEV)

اهرم مالی بیانگر درصدی از بدهی ها است که به وسیله سرمایه پوشش داده می شود. بانک ها از اهرم های مالی برای افزایش بازده حقوق صاحبان سهام استفاده می کنند. افزایش استفاده از اهرم مالی باعث افزایش ریسک بانک شده، در نتیجه الزامات سرمایه ای بالاتری را به وجود می آورد.

1. Bank size
2. Return on equity
3. Return on assets
4. Financial Leverage

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

اهمیت موضوع تحقیق

بانک ها به اتکای سرمایه خود در مقابل زیان های ناشی از عدم بازپرداخت وامهای اعطاشده، شرایط نامساعد بازار و برخی تنگناهای عملیاتی ایستادگی می کنند. با وجودی که در بهترین حالت نیز ممکن است بانکی با موقعیت سرمایه ای مناسب در اثر حوادث ناگوار از پای درآید، یک بانک با سرمایه کافی زمان بیشتری را برای بررسی مشکلات و مواجهه صحیح با مشکلات و حوادث ناگوار در اختیار دارد؛ اما از سوی دیگر، کفایت سرمایه یک بانک مفهومی نسبی است؛ به این معنی که مناسب بودن میزان آن بر حسب اندازه و حجم فعالیت بانک قابل تأیید است، لذا معمولاً کفایت سرمایه بر حسب نسبت سرمایه به دارایی ها تعیین می شود و شاخصی از توانایی بانک در جذب آثار منفی ناشی از زیانهای احتمالی و اعاده موقعیت مناسب خود، به شمار می رود. به این ترتیب، نسبت بزرگتر سرمایه به دارایی ها به معنی پوشش بالاتر دارایی ها توسط سرمایه یا به عبارت دیگر، کفایت بالاتر سرمایه در مقابل زیانهای احتمالی است؛ لیکن استفاده از معیار ساده سرمایه به دارایی ها شامل محدودیت هایی است که استفاده از آن را برای قضاوت در خصوص کفایت سرمایه یک بانک با مشکلاتی همراه می کند. مهمترین محدودیت این است که با استفاده از آن به صورت کامل نمی توان میزان سرمایه بانک را با میزان ریسکی که بانک نسبت به دارایی های خود در معرض آن قرار دارد، مرتبط نمود. به عبارت دیگر، نسبت ساده سرمایه به دارایی ها وجود تفاوت در ساختار ریسکی دارایی های بانکی گوناگونی را که بانک ها در اختیار دارند، نادیده می گیرد.

از طرفی، سیستم بانکی نقش بسیار مهمی در اقتصاد ایفا می کند و علاوه بر آنکه آنها واسطه های وجوه در بازار هستند، در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، به دلیل عدم توسعه کافی بازار سرمایه، نقش اساسی در تأمین مالی برنامه های میان مدت و بلندمدت اقتصادی کشور دارند. در این شرایط، اتخاذ هرگونه سیاست و یا مشکلات احتمالی سیستم بانکی، نه تنها کل بانک بلکه کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می دهد؛ لذا کمیته بال برای غلبه بر مشکلات مزبور، نسبت کفایت سرمایه ای را توصیه می کند که ضمن تعریف اجزای مختلف سرمایه، ریسک دارایی های مختلف از طریق کاربرد ضرایب گوناگون و متناسب با درجه ریسکی آنها قابل اندازه گیری و تعدیل باشد.

از سوی دیگر، با گسترش بخش خصوصی در کشور و اجرایی کردن سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی، آزادی عمل بیشتری را در اختیار بخش بانکی خصوصی نسبت به بانک های دولتی گذاشته است و این سیاست باعث خواهد شد که بانک ها منابع خود را به صورت کارآمدتر میان بخشهای اقتصادی تخصیص دهند و در نتیجه، اعتقاد بر این می باشد که بانک هایی که خصوصی شده و مشمول قانون اصل ۴۴ هستند، می باید پس از عبور از مرحله دولتی به خصوصی شدن، کارآمدتر

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

بوده و عملکرد بهتری از دوران قبلی داشته باشند و یکی از اهداف واگذاری سازمان ها و مؤسسات اصل ۴۴، افزایش کارآیی و بهره وری آنها است.

۳. فرضیات تحقیق

۱- اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
۲- بازده کل دارایی ها تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
۳- بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معنا داری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
۴- اهرم مالی (نسبت سرمایه به کل بدهی ها) تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که میزان تأثیر نسبت های مالی حسابداری بر نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور (بانک های تجاری دولتی، خصوصی و اصل ۴۴) چیست؟ بنابراین تحقیق حاضر، تحقیقی تجربی و از نظر گردآوری داده‌ها تحقیقی توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیونی است؛ اگر چه از نظر هدف، تحقیقی کاربردی تلقی می‌شود.

۵. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق، عبارت است از اطلاعات بانک های شبکه بانکی کشور ایران که در بازه زمانی ۶ ساله طی سالهای ۱۳۹۰- ۱۳۸۵ مشغول به فعالیت بوده و دارای صورت های مالی در بازه زمانی مزبور می باشند؛ که در سه گروه طبقه بندی شده اند و عبارتند از:
۱- بانک های تجاری دولتی (ملی، سپه و رفاه)؛
۲- بانک های اصل ۴۴ (بانک صادرات، ملت و تجارت)؛
۳- بانک های خصوصی (بانک پارسیان، اقتصادنوین، کارآفرین، پاسارگاد ، سامان، سرمایه و سینا).

۶. نحوه جمع آوری داده ها

ابتدا برای مباحث تئوریک و ادبیات مربوط به تحقیق، از روش کتابخانه ای (و از کتب، مجلات تخصصی فارسی، لاتین، مقالات و پایان‌نامه‌ها) استفاده شد. سپس داده های جمع آوری شده در صفحه گسترده Excel وارد و دسته بندی شده به کمک نرم افزار EVIEWS تحلیل های

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

اقتصادسنجی و نیز برآوردهای لازم انجام گردید و نهایتاً با استفاده از شاخص های آماری متداول و نتایج حاصل از برآورد، تجزیه و تحلیل صورت گرفت.

۷. روش تجزیه وتحلیل داده ها

به منظور آزمون فرضیه های تحقیق، از تحلیل رگرسیون و همبستگی بهره گرفته شد و معنی دار بودن الگوها نیز با استفاده از آزمون آماری F و آزمون T و ضریب تعیین و ضریب همبستگی و آزمون دوربین واتسن مورد سنجش قرار گرفت. به دلیل نوع داده ها و روش های تجزیه و تحلیل آماری موجود، از روش داده های ترکیبی استفاده شده است. داده های ترکیبی، روندهای گذشته متغیرها را در برگرفته و از نظر لحاظ کردن پویایی متغیرها، اطمینان ایجاد می کند. مدل مورد استفاده در این تحقیق با استفاده از مقاله پایه[1] که بصورت زیر می باشد:

$$CAR = f\ (SIZE, ROA, ROE, LEV\ )$$

$$CARit = \beta 0 + \beta 1SIZEit + \beta 2ROAit + \beta 3ROEit + \beta 4LEVit + \varepsilon it$$

۸. یافته های تحقیق

۸-۱. آمار تحلیلی

برای انجام آزمون ها و انتخاب مدل مناسب از الگوهای داده های ترکیبی، جهت انجام آزمون همگنی، ابتدا مدل در قالب دو روش ضرایب مشترک و ضرایب با اثرات ثابت تخمین زده شد. و با توجه به آماره F به دست آمده، مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات مشترک برای آزمون فرضیات تحقیق انتخاب شد.

۸-۲. آزمون فرضیات تحقیق

در این بخش، نتایج هریک از فرضیات با استفاده از رگرسیون و مدل Panel data ارزیابی و در نهایت، نتیجه کلی برای هر مدل برآورد شده است.

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، سطح معنی داری تمام متغیرهای تحقیق کمتر از ۵ درصد می‌باشد، لذا فرضیات تحقیق پذیرفته می‌شود و این، نشان دهنده آن است که بین عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی، رابطه معناداری وجود دارد. معنی داری رگرسیون نیز توسط آماره F تأیید می‌شود. با توجه به R^2 تعدیل شده مدل می‌توان ادعا کرد که حدود ۹۹ درصد از تغییرات نسبت کفایت سرمایه (متغیر وابسته) توسط متغیرهای مستقل

1. Mohammed, T. et al. (2013) Determinants of Capital Adequacy Ratio (CAR) in Indonesian Islamic Commercial Banks.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

توضیح داده می‌شود و آماره دوربین واتسون (۲,۳۴)، بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلال در دوره‌های مختلف مورد بررسی است که برای رفع آن، از روش GLS استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج فرضیات در گروه بانک های تجاری دولتی

متغیر وابسته: نسبت کفایت سرمایه			
	Method: panel EGLS		
متغیرمستقل	ضریب	آماره t	P – value
ضریبC	9.539472	17.87415	0.0031
LEV	-0.000757	-131.4011	0.0001
ROA	-6.443118	-16.71546	0.0036
ROE	0.153677	15.31191	0.0042
SIZE	0.000747	128.5900	0.0001
آماره F	0.006084	آماره دوربین واتسون	2.343403
R-squared	0.998645	R2 تعدیل شده	0.992546

همچنین آماره هاسمن بیانگر به کارگیری مناسب بودن روش اثر ثابت در مقابل روش تصادفی است. بنابراین، الگوی کلی تحقیق به صورت زیر خواهد بود:

$$CAR= 9/53 + 0.15ROE + 0.0007SIZE – 0.0007LEV– 6.44ROA + e$$

و نتایج تک تک آزمون ها نشان می دهد که:

فرضیه اول: اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از آن می باشد که بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور، مثبت (۰,۰۰۰۷) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش اندازه بانک، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی افزایش خواهد یافت.

فرضیه دوم: نسبت بازده دارایی ها تأثیر مثبت و معنا داری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن می باشد که بین نسبت بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد و

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۶,۴۴) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین نسبت بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش نسبت بازده دارایی ها، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی کاهش خواهد یافت.

فرضیه سوم: بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معنا دار بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن می باشد که بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۰,۱۵) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی افزایش خواهد یافت.

فرضیه چهارم: اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از آن می باشد که بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۰,۰۰۰۷) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش اهرم مالی، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی کاهش خواهد یافت.

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، سطح معنی داری تمام متغیرهای تحقیق کمتر از ۵ درصد می‌باشد، لذا فرضیات تحقیق پذیرفته می‌شود و این نشان دهنده آن است که بین عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی شده، رابطه معناداری وجود دارد. معنی داری رگرسیون نیز توسط آماره F تأیید می‌شود. با توجه به R^2 تعدیل شده مدل می‌توان ادعا کرد که حدود ۹۷ درصد از تغییرات نسبت کفایت سرمایه (متغیر وابسته) توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود و آماره دوربین واتسون (۲,۲۹) بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلال در دوره‌های مختلف مورد بررسی است که برای رفع آن، از روش GLS استفاده شده است.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

جدول ۲: نتایج فرضیات در گروه بانک های خصوصی

متغیر وابسته: نسبت کفایت سرمایه			
متغیرمستقل	Method: panel EGLS		
	ضریب	آماره t	P – value
ضریبC	11.01743	1.895696	0.0488
LEV	-0.000108	-2.604998	0.0208
ROA	3.154308	22.15445	0.0000
ROE	-0.164920	-4.697973	0.0003
SIZE	0.000129	3.330033	0.0050
آماره F	0.000000	آماره دوربین واتسون	2.292481
R-squared	0.984735	R2 تعدیل شده	0.970561

همچنین آماره هاسمن، بیانگر به کارگیری مناسب بودن روش اثر ثابت در مقابل روش تصادفی است و بنابراین، الگوی کلی تحقیق به صورت زیر خواهد بود:

$$CAR= 11.01 + 3.15ROA +0.0001SIZE -0.16ROE - 0.0001LEV + e$$

و نتایج تک تک آزمون ها نشان می دهد که:

فرضیه اول: اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از آن می باشد که بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۰,۰۰۰۱) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی بوده و این نشان دهنده آن است که با افزایش اندازه بانک، نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی افزایش خواهد یافت.

فرضیه دوم: بازده دارایی ها تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن می باشد که بین نسبت بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۳,۱۵) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین نسبت بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش نسبت بازده دارایی ها، نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی افزایش خواهد یافت.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

فرضیه سوم: بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معناداری بر نسبت کفایت سرمایه دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن می باشد که بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۰,۱۶) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی بوده و این نشان دهنده آن است که با افزایش بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی کاهش خواهد یافت.

فرضیه چهارم: اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از آن می باشد که بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵٪ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۰,۰۰۰۱) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش اهرم مالی، نسبت کفایت سرمایه بانک های خصوصی کاهش خواهد یافت.

جدول ۳. نتایج فرضیات در گروه بانک های اصل ۴۴

متغیر وابسته: نسبت کفایت سرمایه			
	Method: panel EGLS		
متغیرمستقل	ضریب	آماره t	P – value
ضریبC	-54.70477	-14.04981	0.0050
LEV	0.000503	2.302480	0.1479
ROA	-21.73933	-3.791986	0.0630
ROE	2.011088	4.716693	0.0421
SIZE	-0.000528	-2.567316	0.1241
آماره F	0.081382	آماره دوربین واتسون	2.284787
R-squared	0.981313	R2 تعدیل شده	0.897224

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، سطح معنی داری رگرسیون توسط آماره F در سطح خطای ۱۰ درصد تأیید می‌شود. با توجه به R^2 تعدیل شده مدل می‌توان ادعا کرد که حدود ۸۹ درصد از تغییرات نسبت کفایت سرمایه (متغیر وابسته) توسط متغیرهای مستقل توضیح داده

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

می‌شود و آماره دوربین واتسون (۲,۲۸) بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلال در دوره‌های مختلف مورد بررسی است که برای رفع آن، از روش GLS استفاده شده است.

همچنین آماره هاسمن بیانگر به کارگیری مناسب بودن روش اثر ثابت در مقابل روش تصادفی است و بنابراین، الگوی کلی تحقیق به صورت زیر خواهد بود:

$$CAR= -54.70 + 2.01ROE + e$$

و نتایج تک تک آزمون ها نشان می دهد که:

فرضیه اول: اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از آن می باشد که سطح معنی داری متغیر اندازه بانک برابر با (۰,۱۲۴۱) و از آنجا که سطح خطای متغیر مذکور بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه می توان بیان کرد که بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه بانک های اصل ۴۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی داری وجود ندارد و ضریب حاصله برابر با منفی (۰,۰۰۰۵) است و بنابراین، فرضیه اول رد می شود.

فرضیه دوم: بازده دارایی ها تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن می باشد که سطح معنی داری متغیر بازده دارایی ها برابر با (۰,۰۶۳۰) و از آنجا که سطح خطای متغیر مذکور بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه می توان بیان کرد که بین بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه بانک های اصل ۴۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی داری وجود ندارد و ضریب حاصله برابر با منفی (۲۱,۷۳) است و بنابراین، فرضیه دوم نیز رد می شود.

فرضیه سوم: بازده حقوق صاحبان سهام تأثیرمثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن می باشد که بین نسبت بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های اصل ۴۴ در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۲,۰۱) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین نسبت بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های اصل ۴۴ بوده که نشان می دهد با افزایش نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت کفایت سرمایه بانک های اصل ۴۴ افزایش خواهد یافت.

فرضیه چهارم: اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از آن می باشد که سطح معنی داری متغیر اندازه بانک برابر با (۰,۱۴۷۹) و از آنجا که سطح خطای متغیر مذکور بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه می توان

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

بیان کرد که بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه بانک های اصل ۴۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی داری وجود ندارد و ضریب حاصله برابر با مثبت (۰,۰۰۰۵) است و بنابراین، فرضیه چهارم نیز رد می شود.

۹. نتیجه گیری و بحث

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات و آماره f به دست آمده، رابطه معناداری بین نسبت های مالی حسابداری با کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی و بانک های خصوصی وجود دارد و با توجه به ابلاغ آیین نامه کفایت سرمایه،[1] این بانک ها هنوز مسیر خود را شناسایی نکرده و یا به آرامی حرکت می نمایند و هنوز الزامی به استفاده از راهکارهای گوناگون و افزایش سرمایه نسبت به بهبود کفایت سرمایه و افزایش توان خود در پاسخگویی به مشتریان، اقدامات ناچیزی نموده اند. بنابراین توجه به این نکته ضروری است که مقایسه بین سیستم بانکداری ایران و سایر کشورها که دارای سیستم بانکی خصوصی گسترده اند، با مشکل مواجه است و دلیل تفاوت در نتایج به دست آمده در تحقیق بین برخی از نسبت های مالی در بانک های دولتی و خصوصی ایران نیز شاید ناشی از این امر باشد.

سیستم بانکی دولتی و خصوصی در زمینه ساختار، استفاده از منابع، متنوع بودن اقلام سرمایه، مدیریت ریسک، انگیزه کسب سود و غیره، دارای تفاوت های اساسی می باشند. بانک های دولتی ایران در زمان بحران همیشه از بانک مرکزی کمک می گیرند و در سایه بانک مرکزی فعالیت نموده و بیشتر دستوری عمل می نمایند و این اتکا به بانک مرکزی و دولت شاید مهمترین دلیل پایین بودن نسبت کفایت سرمایه این بانک ها است.

از طرفی، خصوصی سازی، برنامه ای است که در بسیاری از کشورهای جهان به منظور کاهش فعالیت دولت در عرصه های مختلف اجتماعی بویژه در بخش اقتصاد اجرا شده است. اما بعد از گذشت چند سال از دور جدید خصوصی سازی توسط دولت، در مورد مؤلفه دولت به عنوان مجری سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با توجه به واگذاری های انجام شده و نتایج به دست آمده از تحقیقات گوناگون مثلاً سهام واگذار شده در سال ۸۶ به صورت سهام عدالت، می توان به تأکید دولت بر اجرای طرح واسع (سهام عدالت) و اولویت آن نسبت به خصوصی سازی، نتیجه گیری کرد که عملاً فقط صاحبان برگه سهام بهره مند از سود تقسیمی خواهند بود و در تصمیم گیری های

---

۱. مصوب جلسه ۱۰۱۴ شورای پول در سال ۱۳۸۲ و ابلاغ به بانک های دولتی.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

مدیریتی، مشارکتی نخواهند داشت و در نهایت، این شرکت ها همچنان تحت مدیریت دولت باقی خواهند ماند.

با توجه به اینکه برای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هشت هدف کلی متصور می‌باشد که عبارتند از: شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، گسترش مالکیت عمومی، ارتقای کارآیی و بهره‌وری، افزایش رقابت‌پذیری، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش اشتغال و بالاخره بهبود سطح درآمد عمومی و رفاه جامعه. با توجه به گذشت هشت سال از ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ وضعیت این طرح کلان اقتصادی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ به طوری که در واگذاری سازمان ها و مؤسسات دولتی ظهور و حضور شبه دولتی ها کاملاً احساس می شود و این می تواند دلیلی بر عدم ارتباط بین نسبت های مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های اصل ۴۴ باشد. در لیست سهامداران گروه اصل ۴۴ بخش اعظم سهام متعلق به شرکت ها و مؤسسات نهادی متعلق به دولت می باشند و از اهداف محوری اصل ۴۴ به دور مانده اند. اقتصاد ایران سالها است که با رویکرد و ساختار اقتصاد دولتی عجین و دولت متولی اقتصاد بوده و بخش خصوصی چندان جایگاهی در اقتصاد ایران نداشته است و از این رو، نهادهای دولتی شکل گرفته و قوی شده‌اند اما نهادها و تشکل‌های لازم برای توسعه بخش خصوصی تشکیل نشده یا دارای ساختاری شکننده و ضعیف هستند و بنابراین، یک تصمیم جدی و شجاعانه می تواند راهگشا باشد.

در نتیجه، از آنجا که اولاً، نسبت کفایت سرمایه از جمله مهمترین شاخص های کمی برای ارزیابی عملکرد بانک ها و مؤسسات اعتباری است و ثانیاً، دستیابی به حداقل نسبت کفایت سرمایه تعیین شده، به عنوان نشانه ای از موقعیت اعتباری بانک ها تلقی می شود و همچنین از جنبه های گوناگون عملکرد آن (مثل تغییرات در ریسک پرتفوی، سودآوری و اندازه) تأثیر می پذیرد و بر آنها تأثیر نیز می گذارد، به نظر می رسد که می باید توجه لازم بدان مبذول داشته و راهکارهای مناسب را جهت بهبود آن اندیشید؛ به طوری که، هم به حداقل استاندارد اعلام شده دست یافت تا موجب حفظ موقعیت رقابتی سیستم بانک ها گردد و هم، از سایر اثرات مثبت آن بر عملکرد بانک، مثل افزایش کارآیی بهره جست.

پیشنهادات

پیشنهاداتی برای بهتر شدن عملکرد بانک ها (براساس پیشنهاد کمیسیون اقتصادی مجلس به مدیران بانکی) طبق نتایج تحقیق ارائه می شود:

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

۱. با توجه به کنفرانس بین المللی بال ۲، ضریب کفایت سرمایه بانک ها طبق استاندارد ۱۲ درصد و بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، کفایت سرمایه بانک ها در ایران ۸ درصد می باشد که نیاز به افزایش سرمایه بانک ها را بیش از پیش ضروری می سازد؛

۲.تهیه استاندارد ها و رویه های مربوط به محاسبات انواع مختلف ریسک؛

۳.به کارگیری تمهیدات پیشگیرانه به منظور کاهش ریسک بانک ها در مواجهه با تحریم های بین المللی؛

۴.افزایش نسبت کفایت سرمایه بانک از طریق تملک دارایی های مالی و توسعه، از محل وجوه اداره شده و از محل بازپرداخت تسهیلات اعطایی حساب ذخیره ارزی و ...؛

۵.توجه به ساختار شورای رقابت و سازمان خصوصی سازی و تقویت آنها؛

۶.یکی از اشکالات فراروی اجرای قانون، آموزش خود قانون است. هنوز عبارات و تعاریف و مفاهیم ساده تبیین و تشریح نشده است. نمایندگان بخش‌های خصوصی و تعاونی یعنی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و اتاق تعاون، می توانند دیدگاه‌ها، چالش‌ها و مشکلات فراروی اجرای قانون و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را تشریح و اعلام نمایند.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

منابع و مآخذ

ابویناسی، براتعلی (۱۳۸۳) بررسی راه های افزایش سودآوری در نظام بانکی کشور، مورد پژوهی: بانک ملت؛ مؤسسه عالی بانکداری ایران.

آخوندزاده، عباس (۱۳۸۸) مطالعه تطبیقی مقررات بال ۱ و ۲ در صنعت بانکداری ایران؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

امامی میبدی، علی (۱۳۷۹) اصول اندازه گیری کارآیی و بهره وری علمی و کاربردی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آئین نامه کفایت سرمایه، ۱۳۸۲.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آئین نامه سرمایه پایه بانک ها و مؤسسات اعتباری، ۱۳۸۲.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دستورالعمل طبقه بندی دارایی های موزون شده، ۱۳۸۲.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بخشنامه حداقل سرمایه اولیه برای بانک های غیر دولتی، ۱۳۸۹.

بهرامی، مهناز و ناهیدکلباسی (۱۳۷۴) استاندارد بین المللی کفایت سرمایه بانک ها؛ تهران: مجموعه گزارشات اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۸.

بهرامی، مهناز (۱۳۸۷) محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری و تخصصی در نظام بانکی ایران؛ تهران: مجموعه پژوهش های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹.

پهلوان زاده، مسعود (۱۳۸۶) مروری بر رویکرد جدید نسبت کفایت سرمایه؛ تهران: نشریه علمی- تخصصی روند، شماره ۵۲ و ۵۳.

دادگر، یداله و نعمت زاده، زهرا (۱۳۸۶) کاربرد مدل DEA در ارزیابی واحدهای اقتصادی؛ فصلنامه اقتصادی جستارهای اقتصادی، شماره هفتم.

رحمانی، علی و حیدری، سید علی (۱۳۸۵) بررسی رابطه بین نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی؛ مجله پیام مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲.

سیف، ولی اله (۱۳۸۳) کفایت سرمایه در نظام بانکی؛ تهران: مجله حسابدار، سال بیستم، شماره ۱۷۰ و ۱۷۱.

فلاح شمس، میرفیض و عباس زاده، حسن (۱۳۸۷) مقایسه تطبیقی کفایت سرمایه در بیانیه اول و دوم کمیته بال؛ تهران: نشریه روند، شماره ۵۴ و ۵۵ .

مجموعه مقالات اولین همایش بررسی نقش و عملکرد نظام بانکی ایران در تحقق اهداف برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ۱۳۸۴.

نوری شکری، زهرا (۱۳۸۹) بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با ریسک ورشکستگی و عملکرد مالی بانک ها، پایان نامه، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

Baird, I.S. & H. Thomas (1985) Toward a Contingency Model of Strategic Risk Taking; Academy of Management Review, Vol. 10: 230-243

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]

Berger, A. (1995) The relationship between capital and earnings in banking; Money Credit Banking 27: 432-456

Berger, A.N.; R.J. Herring and G.P.Szego (1995) The role of capital in financial institutions; J.Banking Fin. 19 :393- 430

Bichsel, R. and J. Blum (2005) Capital regulation of banks: Where do we stand and where are we going?; Q. Bull. 4 :42 - 55.

Daesik Kim & Anthony M. Santomero." Risk in Banking & Capital regulation; Journal of Finance. Vol. 43, No. 5: 1219-33.

Gilbert, R. A. and D. C. Wheelock (2007) Measuring commercial bank profitability: Proceed with caution; Federal Res. Bank St. Louis Rev. 22: 515-532.

Hutchison, D. E. and R.A.K. Cox (2006) The Causal Relationship between Bank Capital and Profitability; Proceeding of the Annals of Financial Economics estwood Development Group (AFEWDG06), and University of Ontario, Institute of Technology, Ontario: 40-54.

Mohammed, T.; Abusharba, Iwan Triyuwono; Munawar Ismail and Aulia F. Rahman (2013) Determinants of Capital Adequacy Ratio (CAR) in Indonesian Islamic Commercial Banks; Global Review of Accounting and Finance, Vol. 4. No. 1. March: 159-170.

[Downloaded from ecor.modares.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.17356768.1395.16.3.4.1]